

۴۹. دشمن انسان

پیروزی در هر نبردی مشروط بر آنست که دشمن شناخته شود. عقاید مختلفی راجع به شیطان یا ابلیس موجود است ولی وقتی بکتاب مقدس رجوع کرده به دید کلی نسبت به مبارزه بزرگی که در دنیا رخ می دهد نظری بیفکنیم می بینیم که چگونه نفرت‌های جهانیان بجنگهای خانمانسوز تبدیل میشوند.

حزقیال نبی پادشاه صور قدیم را به شیطان تشبیح کرده چنین میفرماید: «تو مظهر کمال حکمت و زیبایی بودی و در عدن که باغ خدا بود، قرار داشتی. . . تو را بعنوان فرشته نگهبان انتخاب کردم. تو در کوه مقدس من بودی و در میان سنگهای درخشان راه میرفتی. از روزی که آفریده شدی در تمام کارهایت کامل و بی نقص بودی تا اینکه شرارت در تو راه یافت.» (حزقیال ۲۸:۱۲-۱۵).

نبی راجع به مخلوق برجسته و زیبا و حکیم و فردی که همواره آماده خدمت پروردگار باشد صحبت میکند. در عین حال که آفرینش وی کامل بود ولی طبق این آیه، روزی رسید که گناه در وی راه یافت. علت این گناه چه بود؟ یکی دیگر از انبیاء قدیم این پاسخ را میدهد: «ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی! در دل خود می گفتی: تا به آسمان بالا خواهیم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهیم نهاد و بر قله کوهی در شمال که خدایان بر آن اجتماع می کنند جلوس خواهیم کرد. به بالای ابرها خواهیم رفت و مانند خدای متعال خواهیم شد» (اشعیا

۱۴:۱۲-۱۴).

در گفتار فوق ریشه مطلب دیده می شود زیرا که گوینده ب موجودی اشاره میکند که خود را برجسته تر از همه می پنداشت و حتی قصد داشت مثل حضرت اعلی شود. خودخواهی و آرزوی غصب مقام خالق علت نزول و گناه شیطان می باشد. این میل به ترقی، ساده نبود بلکه عصیان محض بر علیه خداوند بود تا فرمانهای وی را رد کرده مقام و رتبه پروردگار را غصب کند.

شمه دیگری از این مبارزه در انجیل جاودانی چنین آورده شده است: «در آسمان جنگی روی داد. میکائیل و فرشتگان زیر فرمان او با اژدها و فرشتگان خبیث او جنگیدند. اژدها شکست خورد و همراه فرشتگانش از آسمان رانده شد. بلی، این اژدهای بزرگ، یعنی آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کسی است که تمام مردم دنیا را فریب می دهد، با تمام دار و دسته اش بر زمین افکنده شد.» (مکاشفه ۱۲:۷-۹).

گناهکارانی که خطا را ترک نمی کنند محال است در حضور خداوند بمانند زیرا که خداوند گناه را تحمل نمیکند. چون شیطان از سموات اخراج گردید، نقشه خصومت خود را با بنی آدم دنبال کرد. آنانرا بطرفداری خود و بر علیه خدا اغوا کرد. در ابتدا خلقت حضرت آدم خداوند او و همسرش را از خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد که در وسط باغ عدن نهاده بود منع نمود. وفاداری آن دو نسبت بخداوند در مورد این یک درخت سنجیده میشد. آیا از آن درخت خواهند خورد

یا امتناع خواهند ورزید؟ در اطراف همین درخت بود که شیطان تصمیم گرفت که با انسان برخورد کند. انسان بقدر کافی از خطرات آن درخت آگاه شده بود ولی شیطان بصورت مار قشنگی آنچه را که خداوند منع کرده بود نکذیب کرد و گفت «هر آینه نخواهی مرد.» آدم و همسرش دروغ شیطان را بر فرمان خداوند مهربان که امر کرد «خواهی مرد» ترجیح داده به گرداب انقلاب اهریمنی که در آسمان راه افتاده بود کشانیده شدند.

بزرگی سرکشی شیطان هر فردی را که پا بعرضه جهان گذاشته در کمین آورده است. حال نظری به دیگر افعال نفرت انگیز شیطان می افکنیم. انجیل ما را واضحاً در باره کار روزانه شیطان چنین متنبه می سازد: «هوشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما، شیطان، همچون شیری گرسنه، غران به هر سو می گردد تا طعمه ای بیابد و آن را بلعد.» (اول پطرس ۵:۸).

علت موفقیت شیطان این است که بحیله و فریب انکا میکند. خود را مانند یاری دهنده ای نشان می دهد در صورتی که یگانه مقصود او هلاکت شماست. توجه کنید شیطان چطور خود را به مردم نشان میدهد: «اما جای تعجب نیست، چون اگر شیطان می تواند خود را بصورت فرشته نور در آورد، خدمتکارانش نیز می توانند خود را به شکل خدمتگزاران خدا در آورند.» (دوم قرنتیان ۱۱:۱۴).

چند سال پیش یکی از دوستانم واقعه ی عجیبی را در یکی از خیابانهای شهری مشاهده کرده بود. اتومبیلی بدون راننده از خیابانی می گذشت! وقتی که به

چهارراه رسید چراغ قرمز شد و ماشین توقف کرد و وقتی که چراغ سبز شد دوباره
براه افتاد. اگر چه شخصی از داخل اتومبیل آن را هدایت نمیکرد و ماشین ممکن
نیست بدون راننده حرکت کند اما این ماشین بوسیلهٔ رادیو از اتومبیل دیگری
هدایت میشد. شیطان هم همین طور رفتار میکند- اگر چه خود او نامرئی است
اثرش در افعال دیگران بخوبی هویدا است. بجای اینکه با شاخ و دم و ظاهر اهریمنی
خودنمایی کند او مردم را به کارهای بد و زشت وادار می کند و نقشهٔ خود را به
این ترتیب پیش می برد.

عیسی بن مریم به عده ای که پشت بخدا کردند و شهوات نفسانی خود را
دنبال میکردند فرمود: «شما فرزندان پدر واقعی تان شیطان می باشید و دوست
دارید اعمال بد او را انجام دهید. شیطان از همان اول قاتل بود و از حقیقت
نفرت داشت. در وجود او ذره ای حقیقت پیدا نمی شود، چون ذاتاً دروغگو و پدر
تمام دروغگوهاست.» (یوحنا ۸: ۴۴).

با این نمونه برنامه امروز را خاتمه میدهیم و در مقابل وسوسه های اهریمنی
شیطان، برنامهٔ بعدی راجع به عدالت خداوند خواهد بود. تا آن وقت خدا حافظتان
باشد.